

* برهان دوم * پاداش یا کیفر * منطق قرآن و حدیث

این دنیا کشتزاری است که هر چه در آن بکاریم در جهان دیگری محصول آن را بر خواهیم داشت و میوه آن را خواهیم چید، بنابراین زندگی ما هرگز در زندگی چند روز این دنیا خلاصه نمی شود و در دنبال این زندگی حیات دیگری که حیات جاوید است، حیات کیفر و پاداش است و حیات ثواب و عذاب است و در انتظار ما است.

این موضوع یکی از اصول مسلم و مستحکم دین مقدس اسلام بلکه کلیه ادیان الهی است که با براهین قطعی نیز به ثبوت رسیده است.

در شماره قبل یکی از براهین معاد که با «حکمت آفریدگار بزرگ عالم» ارتباط داشت بیان گردید اکنون لازم است بذکر براهین دیگر بتوفیق خداوند متعال پردازیم:

برهان دوم

این برهان که از «عدل خداوند» سرچشمه می گیرد و بر این اساس است که هرگز سرنوشت نیکوکاران و بدکاران یکسان نخواهد بود از این دو مقدمه تشکیل می یابد:

۱- در مباحث توحیدی با دلائل متقن به اثبات رسیده است که «آفریدگار عالم» عادل است یعنی کارهای او از نقص و عیب منزّه و وساحت مقدّس وی از ظلم و ستم میرا و برکنار است.

۲- می دانیم افراد بشر در دوران زندگی از لحاظ عمل به وظائفی که خداوند مقرر داشته و عقل انسانی نیز به آن حکم می کند



قسمت سوم

آیت الله حسین نوری

یکسان نیستند و میان آنها تفاوت‌های بسیاری وجود دارد.

گروهی در سایه عقل و معرفت و ایمان، به نعمت‌های فراوانی که پروردگار متعال در این جهان بوجود آورده است پی می برند

و موقعیت هر یک از آنها را درک می کنند و خود را در مقام سپاسگزاری هر چند که ناتوان می بینند و می گویند:

«هر نفسی که فرو می رود مُیَمَد حیات است و چون بر می آید مفرَح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجود و بر هر نعمتی شکری لازم». ولی آن اندازه که قدرت دارند سعی می کنند که آنها را در راه صحیح و جلب خشنودی خداوند بکار ببرند.

اما عده‌ای نه باین نعمت‌ها توجه می کنند و نه نعمت آفرین را می شناسند بلکه هر قدر نعمت الهی نسبت به آنها افزایش می یابد آنها به طغیان و کفران خود می افزایند.

آیا این دو گروه در صحنه عدل الهی ممکن است مساوی باشند؟

جمعی عمر خود را به بازیها و هوسبازیها می گذرانند و به وظائفی که انسان در برابر خالق این عالم و مخلوقات این جهان دارد قیام نمی کنند اما دسته‌ای وقت و عمر گرانبهای خود را مغتصب می شمارند و به انجام وظائف اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فردی و اخلاقی می پردازند.

آیا این دو طایفه در میزان عدل و داد یکسانند؟

طبقه‌ای در زندگی خود جز ایشاز و احسان و گذشت و بخشش و خدمت هدفی ندارند و جمعی جز به لذات شخصی و منافع فردی خود به چیز دیگری نمی اندیشند.

آیا ممکن است این دو طبقه همسنگ و یکسان باشند؟

گروهی شب‌های خود را با یاد خدا و انجام عبادت‌های عارفانه بر اساس اخلاص و اشتیاق و صفای روح بسر می برند و روزهای

خویش را با جهاد در راه اسلام و ابشار و خدمت به اجتماع در پرتو دانش و ایمان و بردباری بی پایان می رسانند که مصداق بیان حضرت امیرمؤمنان علیه السلام می باشند. که در توصیف آنان فرمود:

«إِنَّمَا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَفْدَانَهُمْ تَالِينَ لِأَجْرَاهِ
الْمُرَّانِ يَرْتَلُونَ تَرْتِيبًا يَحْرُوتُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَتَنْشِيرُونَ بِه
دَوَاءَ دَانِهِمْ فَيَذَرُونَ بَابَهُ فِيهَا تَشْوِيقٌ وَرُكُوعٌ لِيْنِهَا
ظَنَمًا وَتَنْظَعَتُ لُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا وَظَلُّوا لَهَا نَضَبَ
أَعْيُنِهِمْ وَآذَانُ مَرُورًا بِبَابِهِ فِيهَا تَخْوِيفٌ أَضْعَفُوا إِلَيْهَا
تَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَظَلُّوا أَنْ رَفِيزَ جَهَنَّمَ وَشَبِهُوا فِي
أَسْوَلِ إِذَانِهِمْ فَهَمْ حَائِرُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ فَفُتِرْتُونَ
لِيَجَاهِدَهُمْ وَآكَلَهُمْ وَرَكِبَهُمْ وَأَقْرَابَ أَفْدَانِهِمْ تَنْظَبُونَ
إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فَكَاكِهِ رِقَابِهِمْ.
وَأَمَّا النَّهَارُ فَعُلَمَاءُ عُلَمَاءُ أَتْرَابِ أَتْيَاءِ».

یعنی چون شب فرا رسد برای نماز و عبادت بر پا می ایستند و آیات قرآن را با تأمل و اندیشه می خوانند و با خواندن آن اندوههایی که در دل آنها نهفته است موج می زند و آنان درمانهای درد های خود را در آیات قرآنی جستجو می کنند، هرگاه در ضمن، به آیه ای شوق انگیز و امید بخش می رسند چشم امید بان می دوزند و با شوق و اشتیاق به آن می نگرند و آن حالت عرفانی چنان بر اساس یقین و اطمینان استوار است که گویی بهشت در برابر چشم ایشان است و آنرا آشکار می بینند.

و هرگاه به آیه ای بر می خورند که در آن ترس و بیم منعکس می باشد گوشهای دلشان را بر آن می گشایند چنانکه گویی شیون و فریاد اهل جهنم در بیخ گوشهایشان قرار دارد.

آنها در پیشگاه الهی قامت های خود را بعنوان رکوع خم می کنند و برای سجد پیشانی ها و کف دست ها و زانو ها و اطراف قدمهای خود را بر روی زمین می گسترانند و از خداوند متعال آزادی خویش را از عذاب جهنم درخواست می نمایند.

و چون روز پدید آید آنان، بردباران، دانشمندان، نیکوکاران و با تقویان می باشند.^۱ ولی گروه دیگر چنان در برابر تعهد ها و مسؤولیت های انسانی بی تفاوت هستند که

شب های خویش را به سرگرمی های بوالهوسانه و غفلت و روزهای خود را در سایه حرص و آز به جمع ثروت و تکاثر اموال و احتکار می گذرانند و یا به بطالت تن در می دهند و یا در شهوات خود فرو رفته اند.

آیا ممکن است در حساب خداوند عادل این دو گروه یکسان باشند؟

طائفه ای از نویسندگان، قلم خود را در راه تربیت به کار انداخته حرکت های افراد و جوامع را در مسیر تکامل مادی و معنوی جهت می بخشند و نهضت هائی را در راه پیشرفت های بشری و آزادی واقعی هدایت می کنند و با نوشتن مقاله ها و کتابهای مفید تحول فرهنگی اجتماعی و سیاسی درخشانی را بوجود می آورند که ارزش کار آنها فقط با خون شهدا مورد مقایسه قرار می گیرد.

اما طبقه ای از ارباب قلم با نیش قلم خود بنزد نفاق و اختلاف و انحراف را در مزرعه مغزها میافشانند و قلم خود را در خدمت امپریالیست ها و استعمارگران مستکبر بکار می اندازند و یا باطل را به صورت حق جلوه می دهند و یا بر اندام حق لباس باطل می پوشانند.

آیا جزای این دو طبقه ممکن است مساوی باشد؟

طائفه ای از حکمرانان در حکومت خود، جز اعلای کلمه حق و احیای عدالت و اجرای قوانین الهی هدفی ندارند ولی دسته ای از فرمانروایان در طی فرمانروائی خود غیر از تأمین لذات شخصی و شعله ور ساختن آتش هوسهای استکباری به چیز دیگری نمی اندیشند.

آیا این دو گروه مساوی خواهند بود؟ آیا جهادگران و شهدای راه حق با خونخواران

و مزدوران استکبار یکسان خواهند بود؟ و بالأخره بدکاران و جنایت پیشگان نیز با هم تفاوت دارند چنانکه نیکوکاران نیز در پی نمودن راه ایمان و تهذیب اخلاق و انجام کارهای نیک دارای درجات و مراتب بسیار متفاوت می باشند و لذا جزای بدکاران نیز نسبت بیکدیگر و پاداش نیکوکاران نیز نسبت بهم نمی تواند متفاوت نباشد.

نتیجه

نتیجه این دو مقدمه این است که چون خداوند عادل است لذا لازم است این گروههای مختلف را مساوی قرار ندهد و بدکاران را به کیفیتهائی که شایسته آن می باشد برساند و به نیکوکاران نیز پاداش هائی را که شایستگی آنرا دارند عنایت بفرماید.

این را نیز می دانییم که در «این دنیا» نوعاً بدکاران به کیفر اعمال خود نمی رسند و نیکوکاران نیز پاداش کارهای نیک خود را بدست نمی آورند بلکه در بسیاری از موارد بدکاران در آغوش رفاه و راحتی بسر می برند در حالی که نیکوکاران در دامن رنجها می گذرانند و انواع تلخیها و مصیبت ها و گرفتاریها می بینند.

بنابراین لازم است «خداوند عادل» صحنه دیگری بوجود بیاورد تا در آن صحنه نیکوکاران پاداش نیکی و بدکاران کیفر کارهای زشت خود را ببینند یعنی: آنچه را که این دو گروه در کشتزار این جهان کشته اند برداشت نمایند.

منطق قرآن و حدیث

این برهان چنانکه ملاحظه کردید بر اساس عقل استوار گردیده است ولی قرآن کریم که راهگشای عقل و احادیث اهل بیت

علیهم السلام که مبین قرآن است در این زمینه مطالب فراوانی را بیان و حکم عقل را تأیید و تثبیت می نمایند، مانند اینکه:

قرآن مجید میگوید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ اتَّعَمُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ؟»

یعنی: ما آسمان و زمین و آنچه را که در میان آنها قرار گرفته است هرگز بر اساس باطل و بیبوده نیافریده ایم این نوع تصور و پندار، پندار کافران است و وای بحال کافران از آتش دوزخ آیا ما افرادی که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند را با اشخاص مفسد که در روی زمین فساد بر می انگیزند و همچنین افراد با تقوا را با فاجران یکسان قرار می دهیم؟ هرگز».

و نیز می فرماید: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَخْلُوحًا وَمَنْ يَكْفُرْ أَفَلَا يَعْلَمُ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ كَفَرُوا نَجَسٌ أَمْ كَسِبَتْ لَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ؟»

یعنی: «آیا کسانی که مرتکب اعمال زشت و تبہکاری شدند چنین می پندارند رتبه آنها را مانند کسانی که بخدا ایمان آورده و اعمال شایسته انجام دادند، قرار می دهیم تا در زندگی و مرگ با هم یکسان باشند هرگز چنین نیست و کسانی که چنین قضاوت و حکم می کنند اندیشه و قضاوت آنها باطل و بی اساس است خدا آسمان ها و زمین را بر اساس حق آفریده تا سرانجام هر کسی بدون هیچ ستم، مجازات و پاداش هر عملی را که انجام داده است ببیند».

حضرت امیر مؤمنان علیه السلام میفرماید:

«حَسْبُ إِذَا تَصَرَّفْتَ الْأُمُورَ وَتَقَضَّيْتُ الدُّهُورَ وَآزَيْتَ الشُّرُوكَ أَخْرَجْتَهُمْ مِنَ ضَرَايِحِ الْعُسُورِ وَأَوَّكَارِ

الْعُسُورِ وَأَوْجِرَةَ السَّبَاعِ وَتَطَايَحَ النَّهَالِكِ سِرَاعًا إِلَى أَمْرِ مُهَيَّجِينَ إِلَى مَعَادِهِ زَعْبًا شُمُونًا قِيَامًا ضُلُوفًا يَنْقُذُهُمُ الْبَصَرُ وَيُسْمِعُهُمُ الدَّاعِيَ غَلِيظَهُمْ لَبِؤُسُ الْأَسْتِكَانَةِ وَضَرْعُ الْأَسْتِيلَامِ وَالذَّلِيلُ قَدْ ضَلَّتْ أَلْبَتُّ وَالنَّفَقُوعُ الْأَمَلُ وَتَمُوتُ الْأَفْعَدُ كَأَفْعَمَةٍ وَغَشَعَتِ الْأَضْوَاتُ مُهَيَّجَةً وَالنَّجْمُ الْعَرَقُ وَعَظْمٌ أَلْفَقُ وَأُزْعِدَتِ الْأَسْمَاعُ لِزُرَّةِ الدَّاعِي إِلَى فَضْلِ الْخَطَابِ وَمُغَابَضَةِ الْخِزَاءِ وَتَكَالَى الْبِقَابِ وَتَوَالَى التَّوَابِ»

یعنی هنگامی که رشته کارهای دنیا از هم گسیخت و روزگار سپری گردید و انگبختن مردم نزدیک و قیامت بر پا شد خداوند آنان را از آغوش قبرها و آشیانه پرنده گان و لانه درندگان (منظور کسانی است که جسد آنها در دنیا طعمه پرنده گان و درندگان گردیده است) و میدانهای جنگ بیرون میآورد در حالی که آماده انجام فرمان خداوند گردیده به سوی معاد و جایگاه بازگشت که خداوند برای آنها مقرر فرموده به سرعت و نندی میروند سپس ساکت و خاموش صفت می کشند در حالی که خداوند همه آنها احاطه دارد در پیشگاه وی ایستاده اند صدای منادی الهی به همه آنان میرسد لباس خضوع و فروتنی و فرمانبرداری و ذلت بر آنها پوشانده میشود در آنروز مکر و حيله بکار نمیآید و آرزوها از بین رفته است دلها افسرده و نمکین و خداها با خشوع توأم و دهان پر از عرق و ترس از کیفر گناهان بر آنها سایه افکنده برای جدا شدن حق از باطل و پاداش کارهای نیک و کیفر کارهای زشت و تپاه آماده اند و هیبت صدای منادی الهی گوشها را بلرزه در میآورد».

و نیز میفرماید: «وَذَلِكَ يَوْمٌ يَخْتَعِ اللَّهُ فِيهِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لِيُنْفِشَ الْجِسَابَ وَجِزَاءَ الْأَعْمَالِ»

یعنی روز قیامت روزی است که خداوند در آن روز برای حسابرسی و جزای اعمال همه انسانها را از گذشتگان و آیندگان گرد میآورد و بالأخره اینسکه روز قیامت روز جزا

است موضوعی است که در بسیاری از آیات قرآن متجلی است و بطور کلی این کتاب مقدس در ۱۱۵ مورد از بازگشت کیفر و پاداش اعمال انسانها به آنان با تعبیر «جزاء» سخن گفته است و ما هنگامی که این کتاب بزرگ الهی را مورد مطالعه قرار میدهیم این قبیل عبارات را که ما را به حقیقتی که گفتیم رهنمون می گردد فراوان می بینیم:

«الْيَوْمَ نُجْزِي كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ»

یعنی: امروز هرکسی به جزای آنچه را که انجام داده است خواهد رسید.

«الْيَوْمَ نُجْزِي مَا كَسَبْتُمْ تَقْوَلُونَ»

یعنی: امروز هر آنچه را که انجام داده اید به جزای آن خواهید رسید.

و بالأخره تعبیراتی مانند وَكَذَلِكَ نُجْزِي الْمُجْرِمِينَ، نُجْزِي الْقَالِمِينَ، نُجْزِي الْمُفْسِدِينَ، نُجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ، نُجْزِي الْمُتَغَيِّبِينَ، نُجْزِي اللَّهَ الْمُتَّقِينَ، يُجْزِي اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ، يُجْزِي الَّذِينَ آمَنُوا بِمَا عَمِلُوا وَيُجْزِي الَّذِينَ آمَنُوا بِالْحُسْنَى

یعنی: ما گناهکاران مستمکاران و تهمت زندگان را به کیفر میرسانیم و به نیکوکاران متقین و راستگویان پاداش میدهیم تا آنانکه مرتکب کارهای بد و ناپسند گردیدند و نیز کسانی که به انجام کارهای نیک پرداختند هر یک جزای اعمال خویش را دریابند.

۱- نهج البلاغه-خطبه ۱۸۴ در وصف متقین.

۲- سوره ص-آیه ۲۷ و ۲۸.

۳- سوره جاثیه-آیه ۲۱ و ۲۲.

۴- نهج البلاغه-خطبه ۸۲.

۵- نهج البلاغه-خطبه ۱۰۱.

۶- سوره فاطر-آیه ۱۷.

۷- سوره جاثیه-آیه ۲۸.

۸- سوره احزاب-آیه ۲۴.

۹- سوره نجم-آیه ۳۱.